

The Mechanism of State Efficacy and Its Obstacles in the Thought of *Shaykh al-Ishrāq*

RajabAli Esfandiari^{ORCID}

Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. es.ali45@gmail.com

Abstract

Optimal governance is attained in the shadow of the efficacy of the political system in various dimensions; the state, as the prominent facet of governance in society, possesses a significant role in reaching the objectives and policies of the system. The objective of the current research is to examine the modality of state efficacy based on the thought of *Shaykh al-Ishrāq*. In this research, in addition to examining the mechanisms for rendering the state efficient, the obstacles to state efficacy in society have been investigated. The results indicate that state efficacy was a matter of attention for *Shaykh al-Ishrāq*, and the principled mechanisms for rendering the state efficient can be extracted from his thought through the content analysis method. Key concepts such as light (*Nūr*), the intellect of the hereafter (*Aql al-Ma'ād*), the perfection of the soul (*Kamāl al-Nafs*), and the transcendental ascension of the spirit towards the luminous pole (*Qutb al-Nūrānī*), serve as the groundwork for the management of mentality change, the management of position consolidation, and the management of capacity and ability production in the individual and society.

Keywords: State efficacy, political thought, *Shaykh al-Ishrāq*, *Suhrawardī*.

Received: 2025-02-27 ; Received in revised form: 2025-05-04 ; Accepted: 2025-06-15 ; Published online: 2025-10-02

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2019672.2174>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



سازوکار کارآمدی دولت و موانع آن در اندیشه شیخ اشراق

رجبعلی اسفندیار^{۱۵}

استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. es.ali45@gmail.com

چکیده

حکمرانی مطلوب در سایه کارآمدی نظام سیاسی در ابعاد مختلف بدست می‌آید، دولت به عنوان وجه برجسته حکمرانی در جامعه، نقش بسزایی در رسیدن به اهداف و سیاست‌های نظام دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی چگونگی کارآمدی دولت براساس اندیشه شیخ اشراق است. در این پژوهش علاوه بر بررسی سازوکارهای کارآمدسازی دولت، موانع کارآمدی دولت در جامعه، بررسی شده است. نتایج حاکی از آن است که کارآمدی دولت مورد توجه شیخ اشراق بوده و سازوکارهای اصولی کارآمدسازی دولت را می‌توان با روش تحلیل محتوا از اندیشه وی استخراج نمود. مفاهیم کلیدی چون نور، عقل معاد، کمال نفس و عروج استعلایی روان به سوی قطب نورانی، زمینه‌ساز مدیریت تغییر ذهنیت، مدیریت تثبیت موقعیت و مدیریت تولید ظرفیت و توانایی در فرد و جامعه است.

واژه‌های کلیدی: کارآمدی دولت، اندیشه سیاسی، شیخ اشراق، سهروردی.

استناد به این مقاله: اسفندیار، رجبعلی (۱۴۰۴). سازوکار کارآمدی دولت و موانع آن در اندیشه شیخ اشراق. *سیاست متعالیه*، ۱۳(۳): ص ۶۹-۸۴.

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2019672.2174>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

اهمیت کارآمدی نظام سیاسی در برطرف کردن نیازهای جامعه و تضمین حقوق شهروندان بسیار زیاد است. به منظور ایجاد یک نظام سیاسی کارآمد، لازم است اصولی مانند عدالت، برابری، آزادی، شفافیت، مشارکت مردمی و حساب‌پذیری در آن لحاظ شوند و نظامی از نظارت‌ها و تعادلات قدرت در آن بوجود آید. در اسلام کارآمدی دولت به معنای عام به مفهوم تحقق اهداف اسلامی در زمینه‌های مختلف از جمله اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... است. در نظام اسلامی، دولت باید به منظور رضایت عامه، تحقق اهداف اسلامی و حفظ حقوق شهروندان، به صورت کارآمد، عادلانه و برابر عمل کند. در این نظام، دولت به عنوان یک سامانه، مسئول برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های عمومی کشور است. مفهوم کارآمدی دولت در این نظام، به معنای بکارگیری منابع و امکانات کشور به صورت بهینه در راستای تحقق اهداف اسلامی و رضایت عامه است. شهاب‌الدین سهروردی معروف به شیخ اشراق (۵۴۹-۵۵۸ق/ ۱۱۵۴-۱۱۹۱م) یکی از بزرگان فلسفه و عرفان ایران در عصر سلجوقیان بود، به دلیل آثار پربار و چشم‌انداز فراگیر و دستاوردهای شگرف خود شهرت یافت. آثار شیخ اشراق شامل مجموعه‌ای از کتب فلسفی، عرفانی و منطقی است. او در آثار خود به موضوعات متنوعی از جمله توحید، معرفت، طبیعت و حیوانات، زندگی و مرگ، علم و دانش، و منابع فلسفی و عرفانی اشاره کرده است (شهرزوری، ۱۳۶۵). به‌طور کلی، شیخ اشراق ایده دولت و حکومت را در قالب تأملات فلسفی خود مورد بررسی قرار داده است و با توجه به موضوعاتی که در آثار خود مطرح کرده، می‌توان به این نتیجه رسید که از نظر او دولت یک سامانه قانونی و عادلانه با هدف حفظ حقوق شهروندان و تحقق عدالت اجتماعی است. با توجه به بررسی‌هایی که در آثار سهروردی انجام گرفته، می‌توان به این نتیجه رسید که وی به دنبال یافتن راهکارهایی بوده است که با استفاده از آن‌ها جوامع انسانی بتوانند به سرعت به بهبودی و رشد دست یابند. تعالی انسان از جمله اهداف اولیه سهروردی بود که در آثار متعدد به آن اشاره کرده است و از همین منظر می‌توان کارآمدی انسان و جامعه را از دیدگاه شیخ اشراق استنباط نمود. در این نوشتار ابتدا تعابیر و مفاهیم کارآمدی در آثار شیخ اشراق بررسی شده، سپس با بررسی سازوکارهای کارآمدی دولت که از مجرای کارآمدی فردی به دست می‌آید، موانع به‌کارگیری سازوکارهای کارآمدی دولت در جوامع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. تعابیر و مفاهیم کارآمدی در آثار و اندیشه سهروردی

سهروردی را باید از جمله اندیشمندانی دانست که به طور مستقیم وارد بحث مدینه نشده است. اما این

بدان معنا نیست که در آثار او بحث اجتماع و مدینه یافت نشود. وی همانند بسیاری از اندیشمندان مسلمان اصلاح جامعه را منوط به اصلاح فرد می‌داند، چراکه تمام تلاش وی در آثارش به اصلاح فرد مصروف شده است. سهروردی بر مبنای مراتبی که برای حکما قایل است، عالم وجود را هیچ‌گاه خالی از دانش حکمت و دانایی نمی‌داند. به اعتقاد او حکیمی که متوغل در تأله و بحث باشد، دارای ریاست تامه و خلیفه و جانشین خدا است و بر همین اساس مراتب دیگر حکماء را برمی‌شمارد (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۰-۲۱). بنابراین، در حکومت حکیم متأله شیخ اشراق، خدا در رأس قرار دارد و در مراحل بعدی جبرئیل (ملک)، نبی، حکیم الهی و مردم واقع می‌شوند (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۰). برای فهم کارآمدی دولت و حکومت در نگاه سهروردی به نظر می‌رسد باید به دنبال مفاهیمی در اندیشه او باشیم که مشعر به این معناست. در آثار سهروردی مفاهیمی چون نور، عقل معاد، کمال نفس و عروج استعلایی روان به سوی قطب نورانی، اهمیت فراوانی دارد و به نوعی به کارآمدی انسان و جامعه و دولت مرتبط است.

۲-۱. مفهوم نور و کارآمدی

کلیدی‌ترین مفهوم در نگاه سهروردی برای بیان اندیشه او و تبیین کارآمدی دولت، مفهوم نور و ظلمت است. وی برای این دو مفهوم، تقابل از نوع شیء با مرز خود قائل است، مانند تقابل محتوا با شکل و قالب، نور محتوای هستی بوده و ظلمت حد و مرز و قالب آن است. نور عین کمال و دارای فعلیت است، ولی ظلمت دارای نقص و فقدان و ناکارآمدی است. به عبارت دیگر، کسی که انوار قدسیه او مورد تایید باشد، می‌تواند به کمال و فعلیت برسد، ولی کسی که از انوار قدسی محروم است، چیزی جز نقص و فقدان در او نیست. بنابراین، برای کارآمدسازی جامعه، افراد جامعه باید خود را به نور قدسی مجهز کنند و از این رهگذر به کمال برسند. این توانایی زمانی بدست می‌آید که جهان موجودات تحت قمر، خود را به جهان با مافوق قمر متصل کند و از نور و ضوء آن بهره گیرد. در نگاه سهروردی مرتبه وجودی همه موجودات بسته به درجه قرب آنها به نور اعلی و درجه اشراقی آنها می‌باشد. عالم انوار قاهره و عالم انوار مدبره در عالم مافوق قمر قرار دارند و جهان برازخ در عالم ماتحت قمر جای می‌گیرد (اسفندیار، ۱۳۸۵: ص ۶۷). شیخ اشراق علت اصلی حرکات و حرارت‌ها در این عالم را انوار می‌داند و معتقد است هر حرکت و حرارتی مظهر نور و علت تامه نور است و محل و قابل را مستعد می‌کنند تا از ناحیه نور قاهره (نوری که از مبدأ فیض بر آئینه دل سالم تجلی می‌کند) که به ذات و جوهر فائض بر قوایل مستعد است، به اندازه استعدادی که پیدا کرده‌اند و شایسته آنها شده‌اند، نوری بر آنها حاصل شود (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۱۵-۲۲۰). به عبارت دیگر، انسان‌ها به میزان شایستگی خود

می‌توانند از فیوضات نور الهی بهره‌گیرند. دریافت چنین نوری برای کارآمدی افراد است و به همین جهت ملاک برای درجه موجودات، نوری است که هر یک دارد و این نور همان معرفت و آگاهی است، نور اسفهبندی تمثیل و رمز مستقیمی از ناحیه نورالانوار در نفس آدمی است و نشانه آن در هر صاحب‌کمالی دیده شده و از آنجا به جامعه و دولت می‌رسد و زمینه‌ساز کارآمدی آنها می‌شود.

۲-۲. عقل معاد و کارآمدی

سهروردی می‌گوید: نور قاهر یعنی نوری که بالکل مجرد از ماده است (یعنی عقل)، اشرف از مدبر (یعنی نفس) بوده و نیز ابعد از ظلمات است. بنابراین، عقل، اشرف از نفس بوده و از این رو، واجب است که وجود عقل مقدم بر نفس باشد (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۶۰). وی عالم حس را نردبان عالم عقل می‌داند. در نگاه سهروردی همه چیز در عالم، شهودی از عالم ملکوت است (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۶۱). بنابراین، جهان سهروردی جهانی آکنده از قدس است و در طبیعتی که طبیعت نیست، انسان با خدا زندگی می‌کند. او دنیا را با نگرش استعلایی خود مملو از معنویت می‌کند و طبیعت را از خصلت مادی خود خارج می‌سازد؛ این معنی را در داستان غربت غربی سهروردی به روشنی می‌توان مشاهده کرد (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۹). نظریه اصلی شیخ اشراق معنا یافتن در مواجهه با خداوند است. او در داستان غرب غربی، به دنبال آموزش عقل معاد و عقل معاش، به انسان است. او معتقد است که عقل معاش نباید زمام امور را بدست گیرد. در نگاه سهروردی تا فراموشی خدا هست، فراموشی خویشتن نیز وجود دارد، «نسوا الله فأنساهم أنفسهم» (حشر، ۱۹). وقتی عقل معاش زمام امور را در دست گیرد، این قافله به بیابانی جز ظلمت راه نمی‌یابد. در این نگرش، عقل معاش از رهگذر عقل معاد بدست می‌آید.

۲-۳. کمال نفس و کارآمدی

در دیدگاه سهروردی اختلاف احوال نفوس انسان مثل قوت و ضعف، شرف و خست، حکمت و جهل، خیریت و شرارت، رحمت و قساوت و حریت و مملوکیّت، برحسب اختلاف مبادی است. انسان‌ها در جوهریت، مختلف هستند. از این رو احوال نفوس آنها نیز به طور طبیعی مختلف است؛ و چون در مبادی کمالیت یکسان هستند، احوال نفوس انسان، برخی با برخی دیگر ترکیب می‌شود. برای مثال، نفس می‌تواند قوی، شریر و قاسی باشد، مانند نفس ساحر، یا می‌تواند ضعیف، خیر و رحیم باشد؛ ضعف و خست و جهل، از جمله نفوس طبیعی و ممتنع الزوال، در مقابل احوالی چون قوت و شرف و حکمت هستند. شرارت، قساوت و مملوکیّت از جمله احوال اکتسابی نفس انسان در مقابل احوالی چون خیریت، رحمت و حریت است. شیخ

اشراق تصریح دارد که هر نفسی که نفوس شش‌گانه قوت، شرف، ضعف، خیریت، رحمت و حریت در او باشد، نفس نبوی است (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۴۲۶-۴۲۹). دوگانه‌های مذکور تمامی به کارآمدی و ناکارآمدی نفس آدمی اشاره دارد. به اعتقاد سهروردی، کمال نفس آدمی به عنوان یک جوهر مجرّد، این است که نسبت به حقایق از واجب تا جهان مادی، معرفت پیدا نموده و نظام هستی از مبدأ تا معاد، در او نقش پیدا کند. چنین انسانی بر قوای نفس خود مسلط می‌شود و خشم و شهوت در اندیشه‌اش را در حد اعتدال قرار می‌دهد. یعنی حکمت، شجاعت و عفت - که اولی حد وسط قوه عقل عملی و دومی حد میانی خشم و سومی حد وسط شهوت است - را راهنمای زندگی این جهانی خود قرار می‌دهد (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۴، ص ۱۶). این همان مسیر رسیدن به کارآمدی فرد، جامعه و دولت در نگاه سهروردی است که با معرفت نفس در کمال نفس آدمی بدست می‌آید. شیخ اشراق می‌گوید از جهت عملی کمال آدمی آن است که بدن دارای هیئت استعلایی باشد، نه انفعالی. وی اضافه می‌کند که باید به خلق عدالت برسد و عدالت عفت است و شجاعت و حکمت، و عفت توسط قوای شهوانیت است؛ در آن چه مشتته باشد و نامشتتهی برحسب رأی صحیح؛ و عفت در میان دو چیز مذموم است و آن خمود است و شبق، و شجاعت توسط قوت غضبی است در آنچه از او خشم گیرند و نگیرند بر نسق رأی درست و آن در میان دو خلق مذموم است؛ چون تهوّر و بددلی؛ و حکمت توسط استعمال عقل عملی است در آنچه که تدبیر زندگانی کنند و نکنند (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۶۷-۶۹؛ ج ۴، ص ۱۲۹). بر این اساس، در نگاه اشراقی، کارآمدی زمانی برای انسان و در نهایت جامعه حاصل می‌شود که آدمی منفعل نباشد و دارای هیئت استعلایی در بدن باشد، چراکه در این وضعیت است که خلق عدالت که موتور محرک آدمی و جامعه است، برای انسان ایجاد می‌شود. برای رسیدن به عدالت لازم است تا انسان از عفت و شجاعت و حکمت برخوردار باشد. هر یک از این صفات خود به نحوی به کارآمدی انسان در جامعه کمک می‌رساند. انسان به کمک عفت قوای شهوانی خود را کنترل می‌کند. قوه شهوانی اگر در انسان و جامعه کنترل نشود، چه خرابی‌ها که به بار خواهد نشست و بسیاری از ناهنجاری‌های امروز جوامع از عدم کنترل عفت است. پرده‌ری و بی‌حیایی که از نبود عفت حاصل می‌شود، بالای جان امروز جامعه است. صفت شجاعت که خود از لوازم ایجاد عدالت در فرد و جامعه است، حد وسط قوه غضب بوده و با تهوّر و بی‌باکی و بددلی تفاوت دارد. این صفت نیز از صفات کاربردی در بحث کارآمدی است که اگر انسان و جامعه به آن مجهز باشد، مسیر کارآمدی هموار خواهد شد. با شجاعت است که انسان در مقابل طاغوت و ظلم زمانه می‌ایستد و در مسیر هیئت استعلایی بدن و جامعه حرکت می‌کند. در نهایت صفت حکمت و حکیم بودن یکی دیگر از لوازم عدالت در فرد و جامعه است. حکمت که حد وسط

استعمال عقل عملی است، سگان هدایت و تدبیر فرد و جامعه را در اختیار دارد.

۳. عروج استعلایی روان به سوی قطب نورانی

سهروردی انسان‌های جهان آخرت را براساس عملکرد دنیوی آنان دسته‌بندی می‌کند و مسیر سعادت و شقاوت آنان را در این دنیا می‌داند. وی در بیان احوال نفوس انسان در جهان آخرت، آنان را به چهار گروه تقسیم می‌کند: گروه اول کاملان و مکملان هستند که به نورالانوار متصل می‌باشند (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۳۴۳-۳۶۰)، و شوق آنان به نور اعلی و وصف ناشدنی است، این گروه همان‌هایی هستند که در دنیا نیز کارآمدترین انسان‌ها بودند و دریافت آنها عظیم‌تر از همه دریافت‌ها بوده و لذت و بهجت آنان عظیم‌تر از همه لذت‌ها است (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۷۳-۷۴). گروه دوم متوسطان و به تعبیر سهروردی نیک‌بختانی هستند که در دانش میانه و در عمل نیز میانه‌رو هستند. گروه سوم، زاهدان پاک و منزه می‌باشند که در عمل کامل هستند، نه در علم. این دو گروه نیز از جمله گروه‌های کارآمد در دنیا هستند که در آخرت جایگاهی متعالی دارند. گروه چهارم خداوندان شقاوت و بدبختی‌اند که گرداگرد دوزخ زانو زده‌اند و هرگاه از کالبد برزخیه خارج شوند، آتش دوزخ آنان را دربرمی‌گیرد (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۳۴۳-۳۶۰). اینان همان‌هایی هستند که در دنیا به لهو و لعب و فساد و شقاوت و ناکارآمدی مشغول بودند. به تعبیر سهروردی، «نفس انسانی را دو روی است، یکی سوی عالم علوی تا تشبه همی کند به نفوس سماوی و از آنجا استمداد کمال همی‌کند؛ و یک روی دیگر سوی عالم سفلی تا آنجا تدبیر بدن همی‌کند که آلت اوست، و از بهر مشابهت او به نفوس آسمانی، آلتی دارد مخصوص بدان عالم و آن قوت نظری است و از بهر احتیاج او به بدن آلتی دیگر دارد تا بدان آلت به کمال رسد و آن قوت عملی است و مجموع هر دو قوت، قوت عقلی است» (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۷۳-۷۴). بدین سان، شیخ کارآمدی را در داشتن عقل نظری و عقل عملی برای انسان می‌داند و تأکید دارد که انسان با دو گرایش در نهاد خود، همواره در ستیز است، یکی گرایش بر اینکه در فرارفتن از خویشتن متبلور است و دیگری گرایش فرودین که بشر را به قعر غریزه می‌خواند و مسبب اصلی ناکارآمدی انسان است.

۳-۱. سازوکارهای کارآمدی دولت

کارآمدی از یک سو سبب مشروعیت و مقبولیت انسان در جامعه شده و با ایجاد امنیت مانع آسیب‌پذیری انسان و جامعه می‌شود. از سوی دیگر، با تقویت انسان و جامعه، باعث بقاء و تداوم آنها خواهد شد. برای رسیدن به کارآمدی، در نگاه سهروردی نخست باید ذهن انسان را تغییر داد، سپس به تثبیت موقعیت خود

پرداخت و آنگاه به تولید، ایجاد ظرفیت و کسب توانایی و امکانات پرداخت. به عبارت دیگر، سازوکارهای کارآمدی دولت در اندیشه سهروردی به مدیریت ذهنیت، مدیریت تثبیت و مدیریت تولید ظرفیت، توانایی و امکانات بستگی دارد.

۳-۱-۱. مدیریت تغییر ذهنیت

تغییر ذهنیت را با خلاقیت و ابتکار، فرهنگ‌سازی و تعامل می‌توان مدیریت نمود. شیخ اشراق تأکید دارد که این سه امر با بهره‌گیری از عقل نظری و عقل عملی میسر است. وی در بحث تقسیم‌بندی علوم، جایگاه حکمت نظری و عملی و سایر علوم را مشخص می‌کند و به ضرورت پرداختن به معرفت نفس، معرفت حق تعالی و معرفت فرائض و سنن شرعی از خوردن و پوشیدن اشاره می‌کند و آگاهی از این امور را برای بقای زندگی دنیوی ضروری می‌داند (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۴، ص ۳۹۲). او همچنین در مقدمه کتاب «حکمه الأشراق» تأکید دارد که عالم وجود هیچ‌گاه از دانش حکمت و دانایی که نمودار و قائم به آن بود و حجت بیّنات خدا به نزد او باشد، تهی نباشد (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۱۸-۲۰). همچنین در ادامه، مراتب حکمت و حکما را در طبقاتی چند بیان می‌کند و حکیم الهی که متوغل و فرو رفته در تالّه که گرداگرد بحث و حکمت بحثی رفته باشد را خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین می‌داند (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۱۸-۲۰). چراکه چنین شخصی از بالاترین درجه علمی برخوردار است و از او امید، خلاقیت و ابتکار و حل مشکلات می‌رود. وی تصریح دارد که هرگاه چنین اتفاقی نیفتد، پس آن کس که متوغل در تالّه و متوسط در بحث باشد، ریاست کامله خواهد داشت (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۱۸-۲۰). به شخص متوغل در تالّه و بحث هر دو، ریاست تامّه می‌دهد و در صورت فقدان، برای کسی که متوغل در تالّه و متوسط در بحث است، ریاست کامله قایل است، در این مطلب به میزان توانمندی فرد برای رهبری جامعه توجه داشته و به هر میزان که معرفت و دانایی در او بیشتر باشد، برای او مرتبه بالاتری قایل است. تالّه همان نطق، منطق درون و فیض بوده و بحث و سخن همان نطق و منطق بیرون است، این دو همانند چراغی تابناک به فرد توانایی رهبری جامعه را خواهد داد. در نگاه سهروردی، چنین شخصی مدیریت تغییر ذهنیت جامعه با ایجاد خلاقیت و ابتکار را دارد. او انوار قدسیه را در خود دارد و به عالم مافوق قمر سفر کرده و نور قاهر یعنی نوری که به طور کلی مجرد است، یعنی عقل در او، اثر مدبر یعنی نفس است. وی عالم حس را نردبان عالم عقل قرار داده و دنیای مادی را با نگرش استعلایی خود مملو از معنویت می‌کند. در عین تأکید انسان به خروج از ظلمت، به عقل معاد و رسیدن به کارآمدی در دنیا تأکید دارد. تمامی هنر او در رهایی از ظلمت است و برای آن از تمامی ابتکارات و خلاقیت‌های ذهنی کمک می‌گیرد. به کمال نفس آدمی نظر دارد و به دنبال ایجاد هیئت استعلایی بر بدن آدمی

است و از این رهگذر به دنبال ایجاد خُلُق عدالت از طریق عفت، شجاعت و حکمت است. سهروردی تلاش دارد گروه کاملان و مکملان را در جامعه افزایش دهد و معتقد است، با اتصال به منبع فیض می‌توان با ایجاد خلاقیت، به مدیریت تغییر ذهن در جامعه پرداخت. وی تأکید دارد «بهترین موجودات این عالم به سبب دانش و مشابهت به مقربان و فرشتگان، آدمی داناست و بهترین دانایان پیغامبران‌اند و بهترین پیغامبران، پیغامبران مرسل‌اند و بهترین ایشان اولوالعزم‌اند، آنها که شریعت ایشان عام به بسط زمین رسیده و بهترین اولوالعزم، پیغامبر ماست» (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۴۵۶). تعلیم سهروردی، تعلیم معنوی است. او به دنبال تهذیب روح آدمی است، می‌گوید وقتی روح تهذیب می‌شود، با نور الهی منور می‌گردد و انسان از ظلمت جهل به روشنایی دانش رهنمون شده و منور به نور اشراق می‌گردد و بر اجسام عنصری و نیز ارواح دیگر تأثیر خواهد گذاشت (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۴، ص ۱۸۴-۱۸۵). سهروردی تأکید دارد که من خود آنچه را یافته‌ام، باور دارم و برای خود نیازی به برهان و استدلال ندارم و اگر استدلال و برهانی اقامه کرده‌ام، در مقام تعلیم و آموزندگی است (سهروردی: ۱۳۷۷، ص ۱۹). این مطلب به خوبی نشانگر آن است که شیخ اشراق به دنبال آموزش و تغییر فرهنگ و به عبارتی فرهنگ‌سازی در جامعه بود. سومین عامل مدیریت تغییر ذهنیت برای رسیدن به کارآمدی انسان و جامعه، مدیریت اطلاعات و تعامل است. ایجاد روابط مناسب و برقراری تعامل میان انسان‌ها و جوامع بشری در سطح بیرونی و درونی، به انگیزه‌ها و اندیشه‌های تصوراتی که از یکدیگر دارند، مرتبط است. در دنیای امروز فرایند تولید، توزیع و مصرف اطلاعات در حد گسترده به خوبی به انجام می‌رسد. مهم‌ترین نهادی که این رسالت را به انجام می‌رساند، رسانه‌ها در کنار جریان اطلاعات سنتی هستند. از این‌رو تعامل و برقراری ارتباط جریان اطلاعات همواره در تمام دوران مورد توجه جامعه و دولت بوده است. شیخ اشراق به تعامل افراد جامعه توجه داشته و از این مسیر وجود دولت در میان آحاد ملت را ضروری می‌داند. «بدان که چون هر یکی از مردم به همه کارها و مهمات خویش قیام نتواند نمود و از معاملات و قصاص و مناکحات چاره نیست، و بعضی مردم را از بعضی گریزی نیست، پس از شرعی متبوعی و قانونی مضبوط چاره نیست، پس شارع‌ای ضروری است در هر وقتی و قومی که فاضل‌النفس باشد، مطلع بر حقایق (جریان اطلاعات)، مؤید از عالم نور و جبروت و او متخصص باشد به افعالی که مردم از آن عاجز باشند، و اگر نه سخن او نشوند و او را معارضت و مزاحمت نمایند. و این افعال دلالت کند بر صدق او و بر آنکه فرستاده‌ای بر حق است به خلق، و ایشان را بر مصالح وقت تحریص کند و در تزکیه نفس ترغیب نماید و امر به معروف و نهی از منکر را به مقتضای هر زمان پاس دارد و عبادات را بر ایشان حتم کند تا فراموش نکنند و مستحکم شود» (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۴، ص ۲۳۸). عبارت فوق ضرورت دولت را برای جامعه بیان

می‌کند و همچنین به این نکته تصریح دارد که انسان‌ها ناگزیر بر تعامل هستند. شیخ اشراق بر مدیریت این تعامل نظر دارد و معتقد است که رهبر، لازم است بر کارهای مردم نظر کند. شیخ اشراق خود، دائم در تعامل با نوع انسان‌ها بود. او برای رهایی انسان‌ها از ظلم حاکمان، خود را به حاکمان نزدیک می‌کرد و برای آنان، سلاطین موفق را به عنوان نمونه حکومت‌های کارآمد معرفی می‌کرد. او به پادشاهی پیروز کیخسرو مبارک اشاره می‌کند و سلطنت افریدون را از جمله سلطنت‌های موفق و مورد پذیرش خود می‌داند (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۱۸۶-۱۸۸). سهروردی علاوه بر ملک ظاهر فرزند صلاح‌الدین ایوبی با چند تن دیگر از پادشاهان دوره سلجوقی همچون علاء‌الدین سلطان سلیمان و ملک عمادالدین ارتق نیز هم‌نشین بوده و برخی آثار خود را نیز به نام این پادشاهان نگاشته است (اسفندیار، ۱۳۸۵: ص ۱۲۲-۱۲۳). سهروردی به دنبال افراد دانا برای مدیریت تغییر ذهنیت جامعه و کارآمدسازی جامعه بود.

۳-۱-۲. مدیریت تثبیت موقعیت

دولت‌ها برای خدمت‌رسانی و کارآمدی نیازمند تثبیت موقعیت خود در تمامی دوران حکومت بویژه در اوایل دستیابی قدرت خویش هستند. اگر دولتی نگران تثبیت موقعیت خود باشد، نمی‌تواند دغدغه حل مسائل مردم را داشته باشد و همواره تلاش می‌کند راهکاری بیابد تا قدرت خود را از دست ندهد. از همین رو است که سهروردی برای حکومت بر مردم، بهترین خلق که داناترین آنها هستند را معرفی می‌کند (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۴۵۶) و به دنبال تهذیب روح است هم برای حکومت‌گران و هم برای مردم، تأکید دارد وقتی انسانی به نور الهی منور گردد و همانطور که خداوند در قرآن کریم به مؤمنان وعده داده است، او را از تاریکی به روشنایی آورد (بقره، ۲۵۸) و ظلمت و جهل را از او دور کند. چنین شخصی با نور مقدس تابناک می‌شود و دیگر موجودات از او اطاعت می‌کنند (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۱۸۴-۱۸۵). وقتی اطاعت مردمان همراه باشد، تثبیت حکومت نیز خواهد بود. این ثبات موقعیت تنها در حکومت جاری نیست، بلکه در همه امور جریان خواهد داشت و شامل همه بخش‌های زندگی فردی و اجتماعی خواهد شد. سهروردی دانش را محور مدیریت بهینه و کارآمد جامعه می‌داند و به همین سبب داناترین خلق را برای حکومت معرفی می‌کند و اطاعت از فرمان فرستادگان و رسولان خداوند را لازم می‌داند و به سرنوشت ملت‌هایی که از فرمان آنان سرباز زدند، اشاره می‌کند (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۲۵۳). این بدان معناست که او دغدغه تثبیت حکومت‌ها را داشته و برای رسیدن به چنین هدفی از تجارب تاریخی سرنوشت اقوام مختلف کمک می‌گیرد. سهروردی همچنین به استعداد فرد برای رسیدن به هدف توجه می‌کند. وی می‌گوید، دل باید به حقیقت آشنا باشد تا نورانی شود، پس، نور در شمع گیرد نه در فتیله تر (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۲۵۳)؛ شیخ اشراق دانایان را

به کاربردی کردن دانش توجه می‌دهد. او قدرت علمی انسان را شاهراه نیل به کمال انسان می‌داند (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۴۲۳-۴۲۴). سهروردی برای تثبیت موقعیت، علم را ترجیح می‌دهد و خود که سال‌ها بر طریق مشائیان آثاری را به نگارش درآورده بود، سرانجام با تدوین کتاب «حکمت الاشراف» حجت را تمام می‌کند (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۱۸). همه این امور توجه شیخ اشراق به کارآمدی فرد را بیان می‌کند و معتقد است با نظم و دانش می‌تواند به تثبیت موقعیت خود پردازد و طبیعی است که با تثبیت موقعیت افراد، تثبیت موقعیت جامعه و مدیریت جامعه نیز ایجاد خواهد شد.

۳-۱-۳. مدیریت تولید ظرفیت و توانایی

شاخصه سوم در ایجاد کارآمدی فرد و جامعه، مدیریت تولید ظرفیت و توانایی است. بدیهی است که افراد و دولت‌ها باید ظرفیت‌ها و امکانات موجود خود را ارزیابی و براساس آن سیاست‌گذاری و عمل نمایند. غفلت از این امر آسیب‌های زیادی را به فرد و جامعه وارد می‌کند. اما باید توجه داشت که کارآمدی فرد و دولت هم در آغاز و هم در ادامه فعالیت‌ها به بیش از توجه به ظرفیت‌های امکانات موجود بستگی دارد. چراکه اگر فرد و یا دولت، تنها به ظرفیت‌ها و امکانات موجود بسنده کند، با ناکارآمدی در عرصه‌های مختلف مواجه خواهد شد. از آنجا که ظرفیت‌ها و امکانات موجود هر جامعه‌ای محدود است و در اثر توسعه و رشد جوامع انسانی، منابع حیاتی و زیستی در سطوح مختلف تغییر می‌یابد و متنوع می‌شوند و نیاز به روش‌ها و سازوکارهای جدید دارند؛ و از طرفی محیط و جوامع پیرامونی بسیار سیال و مولد هستند، به ناچار باید به ایجاد ظرفیت‌ها و امکانات جدید اندیشید. ایجاد ظرفیت‌ها و امکانات جدید در گرو توسعه نیروی انسانی، نهادسازی و مدیریت بحران است. شیخ اشراق در آثار خود بویژه در کتاب «حکمه الاشراف» به تولید ظرفیت و توانایی برای افراد که مقدمه مدیریت جامعه و دولت است، توجه فراوان داشته است. وی این کتاب را برای پرورش انسان و به عبارتی توسعه انسانی نگاشته است. او معتقد است که توسعه انسانی تنها با حکمت بدست می‌آید و از این‌رو به تألیف کتاب «حکمه الاشراف» پرداخته است. وی تأکید دارد که «بدترین قرن‌ها قرن‌ها است که در آن بساط اجتهاد و ریاضت درنور دیده شود و سیر اندیشه‌ها منقطع گردد» (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۱۷). وی مقصد انسان را نور الانوار می‌داند و به دنبال آن است که انسان، خود را به انوار الهی مزین کند (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۳۰). نور مفهومی کاربردی نزد شیخ اشراق برای حرکت و کارآمدی در جامعه است و سبب توسعه انسان و تولید ظرفیت در جامعه می‌شود؛ کما اینکه عقل معاش نیز در نگاه او همین قابلیت را داراست. وی تأکید می‌کند «هرگاه اینان (سالکان) در عرصه و میدان قدرت (عقل) گام برنهند، در آن دریائی غوطه‌ور شوند که خاص مقربین درگاهش بود و به آنها آن رسد که به مقربان رسد؛ آن مقربانی که در

زیر درجت و مقام کبریائی او به نزد مصدر جود و بخشش های بی پایان او مقام گزیده اند و خدای بزرگ ایشان را بر مردمان بدکردار گمراه پیش از آنکه از کالبد جسمانی رها شوند و به باب بلندپایه او روی آورند، پیروز گرداند و برای آنان زیبایی و بهاء از جمال نوربخش خود قرار دهد» (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۹۷). بدین ترتیب خدای تبارک و تعالی در نگاه شیخ اشراق به انسانی که از عقل مدد جوید، توجه خاص دارد و تأکید دارد انسانی که به کمال نفس خود توجه نمود، موفق است (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۹۷). سهروردی به دنبال تربیت انسان سالک الی الله بوده و معتقد است که کارآمدی تنها در سایه عمل او بدست می آید. دولت کارآمد نیز به مدد همین انسان بدست می آید (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۴۰۲). نهادسازی نیز یکی از منابع ایجاد ظرفیت و امکانات جدید است که برای رفتار و تعاملات انسانی و اجتماعی معیار و مرجع عمل بوجود می آورد و باعث روان شدن و سرعت تعاملات، تنظیم و قانونمندی تعاملات می شود. دولت ها با مدیریت نهادسازی می توانند به تولید ظرفیت ها و امکانات پردازند و زمینه توسعه و پیشرفت جامعه را فراهم کنند. شیخ اشراق این مهم را در دل رهبری جامعه تعریف می کند و معتقد است رهبری حکیم متألّه، سالکان را گرد خود جمع می کند و از طریق آنان بر مشکلات پیروز می شود. وی در سلسله انوار، نورالانوار را نور عالی می داند و تأکید دارد که «نور سافل هیچ گاه به نور عالی محیط نمی شود؛ زیرا نور عالی همواره سافل را مقهور خود می گرداند و ظاهر بر اوست» (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۲۴۶) و قطعاً در این سلسله انوار در جمع سالکان مراتبی شکل می گیرد و هر یک به تناسب جذب نور می تواند توانایی و قدرت خویش را به کار گیرد و به ایجاد ظرفیت و امکانات پردازد. در بحث مدیریت بحران که در واقع همان مدیریت شرّ و شقاوت در عالم است، شیخ اشراق معتقد است «بدی و شقاوت در جهان ظلمات از لوازم حرکات بود و حرکت و ظلمت از لوازم جهت فقر انوار قاهره و مدبّره بود و بنابراین شرور در این عالم مستند و ناشی از وسایط بود و در نورالانوار هیأت و جهات ظلمانیه محال بود و بنابراین، از ناحیه نورالانوار شرّی صادر نمی شود و فقر و ظلمات از لوازم ضروریه معلولات بود» (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۳۶۲).

از این رو، شرّ و شقاوت امری دنیوی بوده و نسبت آن به خطرات در دنیا نیز کمتر است. بدیهی است انسان متصل به نورالانوار می تواند به راحتی شرّ و شقاوت و ظلمات را از خود دور کند. حوادث و بحران ها نیز از این قبیل خواهد بود. انسان سالک الی الله در برابر امتحان الهی با صبر و بردباری پیروز خواهد بود و با آموزش های معنوی صادره که رکن اساسی توسعه انسان است، انسان می تواند از بحران ها عبور کند. وظیفه رهبر جامعه است که استعداد های نهفته در جامعه را در جهت حل بحران ها و ایجاد ظرفیت و توان بیشتر به کار گیرد.

۴. موانع به کارگیری سازوکارهای کارآمدی دولت در جوامع

موانع متعددی را برای سازوکارهای کارآمدی دولت در جوامع مختلف ذکر می‌کنند، از جمله می‌توان نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری معیوب، نبود اجماع و وفاق حداکثری، ضعف در پیاده‌سازی سیستم شایسته‌سالار، فقدان انسجام هنجاری، عدم نظارت و ارزیابی، گستردگی و تعدد و تشتت ساختاری، عدم علاقه دولت‌ها، ایفای نقش نهادهای مدنی، عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری دولتمردان و کاهش اعتماد عمومی، اختلافات جناحی و گروهی، وجود شکاف‌های سیاسی-اجتماعی، عدم پابندی دولتمردان به قوانین، گسترش تجمل‌گرایی دولتمردان، تبعیض، بی‌عدالتی، نابرابری اجتماعی، بی‌تفاوتی و عدم مسئولیت‌پذیری، افزایش فساد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ضعف در فرهنگ و توسعه سیاسی، اختلاف دولت و ملت، جنگ نرم با عوامل خارجی و... را به عنوان بخشی از موانع کارآمدی دولت نام برد. موارد مذکور در همه دولت‌های موجود، کم و بیش مشاهده می‌شود و برای برون‌رفت از آن تلاش‌های گسترده‌ای صورت می‌گیرد. در نگاه سهروردی دولت‌ها و یا حتی افراد زمانی ناکارآمد می‌شوند که از اصل خود فاصله گیرند. تمامی تلاش سهروردی، توجه دادن افراد به حقیقت و قرار گرفتن در مسیر حق است. وی رسیدن به حقیقت و قرار گرفتن در مسیر حق را فقط از طریق حکمت عملی می‌داند. در میان مراتب حکمت و حکما تأکید دارد که جهان هیچ‌گاه از حکیمی که متوغل در تاله است، خالی نباشد (سهروردی، ۱۳۷۷: ص ۱۸-۲۰). از نگاه سهروردی حکیمی که از یک‌سو به حق و از یک‌سو به خلق توجه دارد، هرگز در مسیر فساد و تباهی قرار نمی‌گیرد، همانند کیخسرو و افریدن جامعه خود را به بهترین نحو رهبری می‌کنند و با کمترین موانع روبرو خواهند بود. او تصریح می‌کند که «... و عالیان پاک مستغنی‌اند از دریدن پرده‌ها و ربودن شیرخوارها از دامن مادر مهربان و یتیم گرداندن اطفال بی‌گناه بمیرانیدن پدران و رنجانیدن جانوران و نصب کردن علم کافران و مرفه داشتن جاهلان و معذب داشتن عالمان» (سهروردی، ۱۳۸۰: ج ۳، ص ۱۰۲). همه ظلم‌های ذکر شده در عبارت بالا زمانی حاصل می‌شود که از زمره عالیان پاک نباشی و در مسیر سالکان قرار نگرفته باشی، وقتی فرد به گنج حکمت رسیده باشد و خود را به دانش تجهیز کند، عبور از موانع برای او بسیار آسان خواهد بود. اگر حکیمی متوغل در حکمت ذوقی و بحثی به تعبیر سهروردی زمام امور را به دست گیرد، در گام نخست براساس تعلیم و دانش خود، شایستگی که مجهز به حکمت باشند را گرد خود جمع خواهد نمود و مدیرانی از جنس حکمت را به کار گیرد، در این حالت نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای رضای خدا و خدمت به خلق شکل می‌گیرد، از آنجا که مجهز به حکمت ذوقی است، جمعی پرچمش را به دوش می‌کشند و گرداگرد او خواهند بود و در مسیر حق و هنجارهای دینی و اسلامی حرکت خواهند کرد. چگونه می‌توان در چنین دولتی

اختلاف میان دولت و ملت را مشاهده کرد؛ حال آنکه دولت خود را فنای در خلق کرده است، شاید این عبارات برای خوانندگان، آرمانی و دست نیافتنی باشد، اما سهروردی آن را در اندیشه خود به تصویر کشیده است و ما در عصر حاضر نمونه‌های آن را در امام خمینی که متوغل در حکمت بحثی و ذوقی بود و شهید سلیمانی که در سلسله مراتب حکمای شیخ اشراق به عنوان طالب و جوینده تالیه تعریف می‌شود، شاهد بوده‌ایم. بنابراین، مصادیق اینگونه افراد در جامعه دینی ما به صورت بالقوه موجود بوده و بسیاری از آنان نیز به فعلیت رسیده است. با عنایت به آثار سهروردی می‌توان نتیجه گرفت که نادیده گرفتن قوانین الهی، عدم توجه به آثار اجتماعی و فرهنگی، نبود تعهد و پایبندی و در نهایت فساد که همه آنها ریشه در جهل دارد، می‌تواند از عوامل مهم ناکارآمدی دولت در جامعه باشد.

۵. نتیجه‌گیری

اگر کارآمدی دولت را نیل به اهداف تعریف کنیم، برای رسیدن به آن باید مقدماتی در انسان‌ها ایجاد شود. اصلاح جامعه بدون اصلاح افراد جامعه امکان‌پذیر نیست. هرچند موضوع کارآمدی در ادبیات امروز به‌کار گرفته می‌شود، اما پیشینه آن را می‌توان در ادبیات کهن و میراث به‌جای مانده جستجو کرد. در آثار اندیشمندان مسلمان مفاهیم کلیدی فراوانی وجود دارد که زمینه‌ساز کارآمدسازی دولت است. شیخ اشراق به عنوان یک فیلسوف، نظریه خاصی در مورد کارآمدی دولت ندارد، اما با بررسی آثار وی می‌توان نتیجه گرفت که او در تأملات فلسفی خود به مباحث حکومت و دولت پرداخته است. سهروردی به دنبال راهکاری بود که جوامع انسانی بتوانند به سرعت به بهبودی و رشد دست یابند. هدف سهروردی رسیدن انسان به تعالی و سعادت اخروی بود. از این‌رو، با توجه به آثار به‌جا مانده از او، مفاهیمی چون نور، عقل معاد و کمال نفس و عروج استعلایی روان به سوی قطب نورانی، ابعاد مختلف کارآمدی فرد و جامعه و دولت را تبیین می‌کنند. با بهره‌گیری از این مفاهیم، سازوکار کارآمدی در جامعه در گام نخست با تغییر ذهنیت از طریق بهره‌گیری از عقل نظری و عملی از طریق رهبری حکیم متألّه، تعلیم و تعلم و مدیریت اطلاعات در جامعه میسر می‌شود. گام دوم در جهت کارآمدی دولت، مدیریت تثبیت موقعیت است که از طریق حکومت بهترین خلق که داناترین مردمان است، تأمین می‌شود. گام سوم و شاخصه سوم در ایجاد کارآمدی فرد، جامعه و دولت، مدیریت تولید ظرفیت و توانایی است که شیخ اشراق آن را از طریق تعلیم و تربیت و توسعه انسانی و نهادسازی و مدیریت بحران، برای جامعه فراهم می‌کند. نور مفهومی کلیدی است که منشاء حرکت انسان و رسیدن به تعالی است، ولی ظلمت چیزی جز سکون و ناکارآمدی نخواهد بود. از این‌رو، واژه نور به عنوان

یک مفهوم اساسی در اندیشه سهروردی، مسیر حرکت به سوی کارآمدی را نشان می‌دهد. عقل معاد نیز به عنوان یک مفهوم کلیدی، چراغ راه کارآمدی دولت است، چراغ که عقل معاش به تنهایی جامعه را به سمت رقابت و سلطه و سود بیشتر سوق می‌دهد. از میان موانع متعددی که امروز، برای کارآمدی می‌شمارند، سهروردی به یک عامل ریشه‌ای اشاره می‌کند و آن، دور ماندن انسان‌ها و دولت‌ها از اصل خود می‌باشد. به اعتقاد سهروردی، حکیمی که از یک سو به حق و از سوی دیگر به خلق توجه دارد، هرگز در مسیر فساد و تباهی قرار نمی‌گیرد. به اعتقاد سهروردی، اگر حکیمی که متوغل یا فرو رفته در حکمت ذوقی و بحثی است، زمام امور را به دست گیرد، در گام اول براساس دانش خود، شایستگانی که مجهز به حکمت می‌باشند را گرد خود جمع می‌کند و مدیرانی از جنس حکمت را به کار می‌گیرد. در این نظام، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای رضای خدا و خدمت به خلق خواهد بود. از آنجا که چنین حکیم عهده‌دار رهبری جامعه و دولت، مجهز به حکمت ذوقی است، مردمی پرچمش را به دوش می‌کشند و گرداگرد او خواهند بود و در مسیر حق و هنجارهای دینی و اسلامی حرکت خواهند کرد.

منابع

قرآن کریم.

- اسفندیار، رجبعلی (۱۳۸۵). *وجوه سیاسی فلسفه شیخ شهاب‌الدین سهروردی*. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۷۷). *حکمت الاشراف*. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۸۰). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*. به تصحیح و مقدمه هانری کرین و همکاران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۲-۴.
- شهرزوری، شمس‌الدین محمد بن محمود (۱۳۶۵). *نزهه الارواح و روضه الافراح (تاریخ الحکما)*. ترجمه مقصودعلی تبریزی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.